

Analysis on civilizational opportunities and challenges of Arbaeen

Mohammad Reza Abedini¹ | Mohammad Hossein Ziaeinia² | Zahra Hesarak³

Abstract

Civilization can be considered as a social order, as a result of its existence, cultural creativity becomes possible and flows. Arbaeen, as the biggest gathering of the Shia world, includes many opportunities to display the new Islamic civilization and practice how to achieve this lofty goal. Also, different challenges may keep the flow of Arbaeen away from achieving its ultimate goal. The present study aims to present a civilizational analysis of the opportunities and challenges in the course of Arbaeen by using the analytical descriptive method and using library resources. Opportunities such as the powerful media of the modern Islamic civilization, the progressive and productive culture, humanity's need for a universal culture, creating an introduction to the thought of Mahdism as the crystallization point of the modern Islamic civilization, and creating a framework for the era of the emergence of Hazrat Hojjat bin Al-Hassan, may God bless him and grant him peace, in this Rasta has been identified and analyzed. Neglect of deep truths, superstition, individualism, moralism, emphasis on expressing love, weakness in hostility, dimming of the world view, mistaking the authority of local servants, moving away from simple life, and losing the title of pilgrim and imam are challenges. There are those who may affect the cultural flow of Arbaeen.

Keywords: New Islamic civilization, Ashura, Arbaeen pilgrimage, civilizational opportunities, Civilizational challenges.

4

Vol. 1
Winter 2023

Research Paper

Received:
22 November 2022

Accepted:
12 February 2023

P.P: 129-152



1. Foreign Professor of Philosophy and Commentary, Qom Seminary, Qom, Iran.

2. Corresponding Author: Ph.D. student of Qur'an and Islamic Texts, Ma'arif University, Qom, Iran.

Mmh.ziaee@yahoo.com.

3. Level 4 students of Islamic Theology, Al-Zahra University (S), Qom, Iran

تحلیل تمدنی جریان اربعین، فرصت‌ها و چالش‌ها

محمد رضا عابدینی^۱ | محمدحسین ضیائی‌نیا^۲ | زهرا حصارکی^۳

چکیده

تمدن را می‌توان عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. جریان اربعین به عنوان عظیم‌ترین گردهمایی عالم تشیع، در بردارنده فرصت‌های متعددی برای نمایش گذاشتن تمدن نوین اسلامی و تمرین نحوه دستیابی به این هدف والا قابل تحلیل می‌باشد. همچنین چالش‌های متفاوتی ممکن است جریان اربعین را از حصول به هدف غایی خود دور نماید. پژوهش حاضر در صدد است با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، تحلیلی تمدنی از فرصت‌ها و چالش‌های موجود در جریان اربعین ارائه نماید. فرصت‌هایی همچون رسانه پر قدرت تمدن نوین اسلامی، فرهنگ پیشرو مولد و مهاجم، نیاز بشریت به فرهنگ جهان شمول، مقدمه سازی برای اندیشه مهدویت به عنوان نقطه تبلور تمدن نوین اسلامی، و کادر سازی برای دوران ظهور حضرت حجت بن الحسن عجل الله فرجه الشریف در این راستا مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته است. غفلت از حقایق عمیق، خرافه گرایی، فرد گرایی، منسک گرایی، تأکید بر اظهار محبت صرف، ضعف در دشمن شناسی، کم‌رنگ شدن نگاه جهانی، تخطئه مرجعیت خادمان محلی، دور شدن از ساده زیستی، و از دست رفتن عنوان زائر و امام چالش‌هایی هستند که ممکن است جریان تمدنی اربعین را تحت تأثیر قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، عاشورا، زیارت اربعین، فرصت‌های تمدنی، چالش‌های تمدنی.

۴

سال اول
زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۲۳

صص: ۱۵۲-۱۳۹



Mmh.ziaee@yahoo.com

۱. استاد خارج فلسفه و تفسیر، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدرسی قرآن و متون اسلامی، دانشگاه معارف، قم، ایران.

۳. طلبه سطح چهارم، مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی، حوزه علمیه قم، قم، ایران.

۳. طلبه سطح چهارم کلام اسلامی، جامعه الزهرا (س)، قم، ایران.

مقدمه

واقعه عاشورا صرفاً حادثه‌ای در گذشته نیست. بلکه به عنوان واقعه‌ای فرازمانی و فرامکانی قابل تحلیل است که هر چند در زمان و مکان خاصی تجلی کرده است، اما حقیقتی دارد که در ظهور حق و غلبه آن بر باطل در هر زمان و مکانی اثر گذار بوده و خواهد بود. از این نگاه عاشورا دارای ظرفیت‌های بی نظیر و گسترده‌ای است که هنوز همه ابعاد آن شناخته نشده و از تمامی ظرفیت‌های آن استفاده نشده است. اربعین عنایت ویژه‌ای است برای به ثمر رسیدن ظرفیت‌های عاشورا و امتداد یافتن عاشورا تا ظهور حضرت ولی عصر عج و استقرار تمدن اسلامی. از این منظر جریان اربعین یک جریان تمدنی پویا است که می‌تواند گام به گام زمینه ساز بروز ظرفیت‌های عاشورا در راستای تحقق غایی تمدن اسلامی در زمان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

امروزه اربعین تنها یک راهپیمایی معنوی و یا صرفاً زیارت جمعی حسین بن علی علیه السلام نیست، بلکه مدلی متفاوت از نظام مناسبات انسانی در مقابل الگوی سکولار و دنیوی شده غربی است. این تجربه، تجربه‌ای در حال ترقی و پیشرفت است که بر منابع دینی و سنن بومی ساخته شده است و از فرهنگ مدرن غرب هیچ رنگ و بویی نگرفته است. اربعین که یک پدیده کاملاً انسانی و اسلامی است، نه یک پدیده تمدنی به معنای غربی آن، بلکه ظهور یک امت نوین اسلامی است که مدل نظام‌مند آن را می‌توان برای بشر امروز تبیین و آن را در ویتترین جوامع انسانی برجسته کرده و بر آن محاجه کرد. (بابایی، ۱۳۹۶: ۱۱۲)

پژوهش پیش رو در صدد است با تحلیل این جریان نوظهور، فرصت‌های تمدنی موجود در آن را بررسی کند تا با شناخت این فرصت‌ها زمینه تقویت آنها فراهم شده و در نتیجه آن جریان تمدنی اربعین، زمینه ساز اجتماع تمدنی عصر ظهور گردد. همچنین چالش‌های موجود در جریان اربعین مورد تحلیل قرار خواهد گرفت تا موانع و مشکلات در مسیر ایجاد تمدن اسلامی به حداقل ممکن برسد.

پیشینه

زیارت اربعین و ابعاد تمدنی آن موضوع پژوهش‌های گوناگونی قرار گرفته است. مقاله «هم‌گرایی تمدنی در طریق زیارت؛ با تأکید بر پیاده روی زیارت اربعین» حرکت به سمت تمدن

نوین اسلامی را حرکت به سمت ظهور حضرت حجت عج معرفی می‌کند، و بیان می‌دارد زمینه سازی اصلی این ظهور با اتصال هر چه بیشتر قلوب مؤمنین واقعی به حقیقت امام معصوم علیه السلام محقق می‌شود. اگر این اتصال به صورت جمعی شکل بگیرد، قطعاً اثرات و برکات بیشتری را نمایان خواهد ساخت. زیارت، تنها پدیده‌ای است که این توجه جمعی به حقیقت معصوم را به زیباترین و کامل‌ترین شکل جلوه می‌دهد. در زیارت، هم توحید و ولایت الهی به عنوان مهم‌ترین مبانی حضور دارد، هم هم‌گرایی قلوب مؤمنین نمایان است، هم پویایی و حرکت درونی و بیرونی در متن این پدیده جاری است و هم نظامات مختلف اجتماعی عینیت می‌یابد؛ به همین دلیل بهترین بستر هم‌گرایی تمدنی تنها در طریق زیارت است که امکان تحقق خواهد داشت. همچنین الزامات هم‌گرایی تمدنی در طریق زیارت نیز در این مقاله بررسی شده است. (امامی و غیائی، ۱۳۹۶)

مقاله «پیاده روی اربعین به مثابه جنبش اجتماعی» با بهره‌گیری از نظریه جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی به این نتیجه می‌رسد که پیاده روی اربعین، جنبش عظیم اجتماعی است که مؤلفه‌های استمرار ستادها، بهره‌گیری از طیفی از تظاهرات عمومی و همچنین ابراز عمومی با چهار مشخصه ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد در آن به نحو بارزی تجلی یافته است. (غفاری هاشجین، آقایی، ۱۳۹۷) «کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن»، عنوان مقاله دیگری است که با رویکردی اجتماعی سیاسی به مراسم زیارت اربعین نظر انداخته و جایگاه این مراسم را در هویت یابی شیعی مورد تدقیق قرار داده است. (موسوی، بیات، ۱۳۹۷)

افتخاری، در مقاله «نقش پیاده روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری» تلاش کرده است ضمن برشمردن ویژگی‌های تمدن اسلامی و نحوه دست‌یابی به آن در بیانات مقام معظم رهبری، این مطالب را با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های تمدنی اربعین حسینی انطباق دهد و پدیده اربعین را به عنوان دروازه و مدخلی برای تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار دهد. (افتخاری، ۱۳۹۸)

از حیث اسطوره‌شناختی^۱ نیز مقاله «پیاده روی اربعین به مثابه اسطوره‌ای برای بازآفرینی هویت فرهنگی»، با استفاده از مؤلفه‌های اسطوره‌ای جوزب کمبل در صدد بررسی معناداری تجربه زیسته زائران پیاده روی اربعین با آزمون تک‌نمونه‌ای برآمده است، تا ضمن پیکربندی

1. Mythological Criticism.

اربعین با مولفه‌های اسطوره، به تبیین هویت فرهنگی پردازد. این پژوهش از طریق مصاحبه با سی نفر از زائران به صورت تصادفی، داده‌ها را گردآوری کرده و تجربه‌های زائران را در قالب عناصر اسطوره‌ای پردازش نموده و نتایج حاصل را در قالب نمودار و جدول ارائه کرده است. (مرتضوی، صولتی، داداش‌زاده، ۱۳۹۹) سعید حمیدی در مقاله «تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده روی اربعین، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران» زیارت اربعین را از منابع قدرت نرم جهان اسلام معرفی می‌کند. تلاش این اثر بر این است که عناصر تمدن اسلامی در جریان زیارت اربعین شناسایی شده و تاثیر آن بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. (حمیدی، ۱۴۰۰)

تفاوت پژوهش حاضر با آثار معرفی شده در بالا، تمرکز بر تحلیل تمدنی جریان اربعین با محوریت رابطه آن با دوران ظهور به عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی، و تبیین فرصت‌های تمدنی موجود در این مراسم و نیز بررسی چالش‌های پیش‌رو در طریق نیل به این مهم است.

روش پژوهش

در تقسیم‌بندی تحقیقات بر مبنای هدف، تحقیقات به دو نوع کاربردی و بنیادی تقسیم می‌شود. تحقیقات بنیادی خود بر دو نوع تجربی و نظری است. در تحقیقات بنیادی نظری، داده‌ها و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و سپس به روش‌های مختلف مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار گرفته و نتیجه‌گیری می‌شود. (رک، خاکی، ۱۳۹۰: ۱۵۵ - ۱۵۶) این پژوهش نیز از نوع بنیادی و نظری است. همچنین پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای انجام شده و رویکرد آن توصیفی و تحلیلی است.

اربعین و ظرفیت‌های اساسی عاشورا

لازم است در ابتدا ارکان راهبردی ظرفیت‌های اربعین در امتداد فعلیت یافتن ظرفیت‌های عاشورا برای مقدمه سازی ظهور مورد بحث قرار گیرد تا بتوان منطق و تحلیل بهتری نسبت به نکات کاربردی آتی در مورد فرصت‌ها و چالش‌های تمدنی جریان اربعین پیدا نمود.

اولین نکته در باب ظرفیت شناسی اساسی عاشورا ظهور «منِ عالی انسانی» است. اساس سعادت انسان که هدف هدایت تشریحی و دعوت انبیای الهی است، توجه دادن انسان به «منِ عالی انسانی»

خویش از طریق توجه دادن او به امام، به عنوان حقیقت انسانی و مطلق انسانیت و فطرت است. توبه و رجوع از «من دانی» به «من عالی انسانی» با توجه به عاشورا و کربلا محقق می‌شود. نمونه قرآنی آن را می‌توان در گریه حضرت آدم علیه السلام بر امام حسین علیه السلام و توجه به امامت ایشان و پذیرفته شدن توبه وی ملاحظه نمود. (سوره بقره، آیه ۳۷؛ برای مطالعه بیشتر ر.ک.: ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۱، ص ۲۷۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۴، ص ۲۴۵) آن حقیقتی که توبه آدم علیه السلام را محقق کرد و موجب خروج او از هبوط، به «من عالی انسانی» گردید توجه به مصائب امام حسین علیه السلام در عاشورا و گریه بر ایشان بود. این خروج و حرکت از «من دانی» به «من عالی»، که با توجه به عاشورا و مصائب کربلا محقق می‌شود، هجرت از تعلقات دنیایی و قطع تعلق به دنیای مذموم را به همراه دارد. در واقع اساس جریان عاشورا حرکت به سوی امام و فانی کردن من‌های خود در من امام است. جریان اربعین نیز تبلور حرکت از من دانی به سمت «من عالی انسانی» است، و وقتی زائر به حریم این «من عالی انسانی» می‌رسد چنین می‌گوید: «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ... أَشْهَدُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ ... وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِمٌ ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ». (طوسی، ج ۶، ۱۴۰۷: ۱۱۴)

نکته دوم در باب ظرفیت شناسی اساسی عاشورا هجرت و حرکت کاروانی است. حرکت همه انبیاء در راستای هجرت از تعلقات دنیا به سوی توحید بوده است و این هجرت درونی و باطنی همراه با هجرت و حرکت کاروانی ظاهری بوده است. نمونه آن حرکت کاروانی کشتی حضرت نوح علیه السلام (سوره هود، آیات ۲۵ - ۴۹)، حرکت کاروانی حضرت موسی علیه السلام با بنی اسرائیل (سوره شعراء، آیات ۵۲ - ۶۷) است. این حرکت کاروانی و قطع تعلق جمعی در سفر کاروان امام حسین علیه السلام از مکه به کربلا و حرکت کاروان اسرا از کربلا به کوفه و شام و بازگشت آنها به کربلا به طور تام بروز پیدا کرده، و امروزه نیز در جریان حرکت «کاروانی» پیاده روی زیارت اربعین جلوه پیدا کرده است. جمعی بودن این کاروان و روابط مؤمنانه‌ای که در کاروان، در نسبت با امام شکل می‌گیرد جنبه اساسی شکل دهی به شخصیت جمعی افراد حاضر در کاروان دارد. سومین نکته در باب ظرفیت شناسی اساسی عاشورا سنت «محوضت» و تمییز حق و باطل است. ریزش‌ها و رویش‌های کربلا و خالص شدن سپاه امام حسین علیه السلام در محض حقانیت و

توحید، و سپاه دشمن در محض باطل و ظلم مصداق تامّ سنت محوَضت است. همین ماجرا در نسبت با اربعین و خالص سازی جریان حق برای ظهور حضرت حجت عیج نیز وجود دارد. نکته چهارم در باب ظرفیت شناسی اساسی عاشورا، اقامه منظومه دین است که هدف امام حسین علیه السلام بوده و ایشان برای اقامه دین و اصلاح امت پیامبر صلی الله علیه و آله و اقامه حکومت ولایی، که عامل اقامه منظومه دین است، قیام نمود. جریان اربعین نیز در امتداد عاشورا نمونه‌ای از اقامه منظومه دین با محوریت ولایت امام می‌باشد. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۸۹ - ۹۲)

همه این نکات چهارگانه در اولین جملات امام حسین علیه السلام در آغاز حرکت ایشان از مکه به سوی کربلا و در تک تک مراحل این سفر وجود دارد. خلاصه آن در این عبارات حضرت است که فرموده اند: «مَنْ كَانَ بَازِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.» هر کس آماده فداکاری و جانبازی در راه ماست و خویشتن را آماده مرگ نموده، با ما کوچ کند که من به خواست خداوند متعال صبح کوچ می‌کنم. (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۶۱)

فرصت‌های تمدنی جریان اربعین

تمدن نوین اسلامی در حال حاضر در مراحل ابتدایی شکل‌گیری خود به سر می‌برد. این حرکت تمدنی در زمان استقرار حاکمیت حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقطه تکامل خود خواهد رسید. با تحلیل جریان اربعین می‌توان فرصت‌های تمدنی موجود در زیارت اربعین را در محورهای مختلف بررسی کرد، که جهت حرکت همه آنها آماده سازی جهان بشریت برای ظهور امام زمان و تبلور نهایی تمدن اسلامی می‌باشد.

۱. اربعین رسانه پر قدرت تمدن نوین اسلامی

همان‌طور که کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام در آن جوّ خفقان حاکم بر جامعه یزیدی، همچون رسانه‌ای قدرتمند پیام مظلومیت و اقتدار عاشورا را به گوش تاریخ رسانید؛ امروز نیز جریان اربعین به مثابه رسانه‌ای پر قدرت این قابلیت را دارد که در دنیایی که غلبه فضای مجازی و تاثیر آن در زندگی انسان‌ها مشهود است، نقش بی بدیل خود را ایفا کند.

ارتباطات انسانی می‌تواند از سنخ حقیقی یا مجازی باشد. تاثیر ارتباطات حقیقی بر انسان بسیار نافذتر و عمیق‌تر از امور مجازی است. برای مثال: حضور مستقیم در جنگ یا شنیدن توصیفات از

کسی که مستقیماً در صحنه نبرد حاضر بوده، تأثیری بر فرد می‌گذارد که با تأثیر ایجاد شده از دیدن تصاویر همان حادثه اصلاً قابل مقایسه نخواهد بود. پس اگر رسانه‌ای پیدا شود که بر خلاف دنیای اعتبارات و فضای مجازی بتواند به صورت مستقیم و حقیقی اثرگذاری کند، تأثیری به مراتب بالاتر و اساسی‌تر روی انسان‌ها خواهد داشت و می‌تواند فضای مجازی را هم در خدمت خود بگیرد.

گردهمایی زیارت اربعین از سنخ زیارت حقیقی است. زیرا بدون نیاز مستقیم به استفاده از ابزار تبلیغی و رسانه‌ای مجازی، مستقلاً خود نقش رسانه‌ای کامل و مولد را ایفا می‌کند. گردهمایی اربعین جدا از آنکه در حین زمان برگزاری، قلوب و توجهات بشری را به سمت خود جلب می‌کند؛ هر کدام از شرکت‌کنندگان را به عنوان مبلغانی تربیت می‌کند که این جریان را توسعه و گسترش می‌دهند. البته این مطلب به معنی عدم ضرورت استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی در گسترش اربعین نیست، بلکه تنها توجه به این نکته است که سنخ رسانه اربعین از سنخ رسانه حقیقی است؛ و این مرتبه‌ای بالاتر از فضای اعتبارات اجتماعی و رسانه‌های مجازی است.

هر واقعه‌ای ظرفیت جهانی شدن را ندارد. بلکه جریانی می‌تواند به پدیده‌ای جهانی تبدیل شود که قابلیت ارتباط با همگان و وجدان‌های عمومی بشر را داشته باشد. جریان اربعین این استعداد را همراه خود دارد. اربعین می‌تواند به عنوان رسانه‌ای حقیقی و انسانی، آن سیر تمدنی عاشورا را به فعلیت مقتضی خود برساند. از آن‌جا که دشمن نیز همین مسأله را متوجه شده و به درستی دریافته که اربعین ظرفیت جهانی شدن را دارد، لذا تمام تلاش خود را صرف این موضوع می‌کند که اربعین را کاملاً در سکوت خبری قرار دهد. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۹۳ - ۹۴) افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری ارتباطات و اطلاعات، راه‌اندازی شبکه‌های تلویزیونی مشترک با کشورهای حوزه تمدنی فرهنگ و تمدن شیعی و حوزه اسلامی با مؤلفه فرهنگ شیعی و اسلامی برای ایجاد هم‌گرایی و نزدیکی و پویا کردن اشتراکات دینی، تاریخی، فرهنگی یکی از الزامات مهم در مسیر معرفی جریان تمدنی اربعین به جهان امروز است. (امامی و غیائی، ۱۳۹۶)

۲. اربعین فرهنگ پیشرو، مولد و مهاجم

جریان اربعین در واقع ایجاد یک فرهنگ زنده مهاجم است. نگاه شیعه در طول تاریخ عمدتاً نگاه تدافعی بوده است. زیرا شیعه در اقلیت جمعیتی و معمولاً در حال تقیه بوده است. اگرچه اساس این تقیه را صبر فعال و سازنده تشکیل می‌دهد و از زمان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و

آله، این صبر فعال به عنوان یک راهبرد مبارزاتی برای حفظ اسلام و مسلمین مطرح بوده است. وقتی در صدر اسلام برخی مسلمین برای خلاصی از سختی و شکنجه از پیامبر صلی الله علیه و آله درخواست اجازه جهاد تا شهادت کردند، این آیه شریفه در پاسخ به ایشان نازل شد: «كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (سوره نساء، آیه ۷۷). خداوند متعال به ایشان فرمود: دست نگه دارید و صبر کنید و نماز را به پا دارید. این صبر توصیه شده، در واقع صبر فعال برای توسعه اسلام است. در زمانی که سکوت و تقیه موجب ممانعت اسلام می‌شد، قیام امام حسین علیه السلام به وقوع پیوست؛ اما این قیام در حرکت تدریجی و صبر فعال شیعه مسیر جدیدی ایجاد کرد که در عین اینکه جهاد و مبارزه علنی نیست ولی رنگ و بوی جهاد را دارد، و در واقع واقعه عاشورا جهادی از سنخ جهاد فرهنگی را در دل این صبر فعال به وجود آورد. نوع مبارزات و تقیه اهل بیت علیهم السلام بعد از واقعه عاشورا از این سنخ است. جهاد و مبارزه‌ای فرهنگی و غیرعلنی که در عین حال با ذکر مصائب عاشورا و دمیده شدن روح شهادت طلبی و قیام برای خون‌خواهی سید الشهداء در آن، دائماً زنده و شورآفرین و حرکت دهنده است، و نهایتاً منجر به انتظار فعال و سازنده برای ظهور منتقم خون امام حسین علیه السلام می‌شود.

جریان اربعین این صبر فعال را در یک حرکت تهاجمی و زنده در مقابل تمام فرهنگ‌های دیگر برافراشته است. اربعین فرهنگی مهاجم است؛ یعنی فرهنگی است که به سرعت اطراف خودش را هم‌سنخ خودش می‌کند؛ حتی اگر این فرهنگ، اعتقادات به ظاهر دینی و اسلامی باشد که به غلط فهم شده‌اند. یعنی جریان اربعین به خاموشی، بی‌حالی، و بی‌حرکی حاکم شده بر زندگی یک مسلمان و شیعه نیز حمله می‌کند. پس فرهنگ اربعین نه فقط به فرهنگ مادی و غیر الهی غرب، بلکه به فرهنگ دینی و اسلامی که در حد شعار و مفهوم باقی مانده است نیز هجوم می‌برد و آن را تصحیح می‌کند. اصرار بر تعبیر فرهنگ مولد، پویا، و مهاجم به خاطر این است که بقیه را از سنخ خود می‌کند و یک فرهنگ زنده است که به اموات پیرامون خود القای حیات می‌کند.

نکته دیگر که باید در تحلیل فرهنگ اربعین مورد تحلیل قرار گیرد، این است که فرهنگ اربعین در عین داشتن شمول و اطلاق که بر کل مسلمانان و حتی غیرمسلمانان سایه می‌افکند و ارزش‌آفرینی و معنابخشی جدیدی برای زندگی فردی و اجتماعی تولید می‌کند، کثرت‌ها و تنوع‌های فرهنگی را که با ارزش‌های متعالی آن سازگار است هم می‌پذیرد. برای نمونه فرهنگ و

آداب و رسوم عراقی با زبان عربی و گویش و لهجه عراقی و سبک خاص پوشش و تنوع غذاهای موجود در فرهنگ زندگی عراقی، در کنار زبان فارسی و فرهنگ و پوشش و آداب و رسوم ایرانی، همه بدون تراحم با یکدیگر و در ذیل فرهنگ اربعین کنار هم قرار می‌گیرند. همه افراد و اقوام با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف که حتی با یکدیگر نمی‌توانند ارتباط کلامی راحت داشته باشند، وقتی به متن اربعین وارد می‌شوند همه ذیل یک فرهنگ قرار می‌گیرند و با هم در این فرهنگ متحد می‌شوند. به نحوی که گویا قطراتی هستند که وارد یک اقیانوس می‌شوند، و عظمت و حیات این فرهنگ زنده و جاری آنها را در خود می‌پذیرد. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۳۸)

۳. نیاز بشریت به فرهنگ جهان شمول اربعین

امروزه تقاضای «جهانی شدن»^۱ برای مردم در نگاه‌های مختلف ایجاد شده است. البته همه افراد بشر نگاهی یکسان به جهانی شدن ندارند. برخی به جهانی شدن به عنوان فرآیندی سودمند و اجتناب‌ناپذیر نگاه می‌کنند؛ و برخی به آن با ترس و خصومت می‌نگرند و معتقدند این جریان، فقر و نگاه نابرابر بین انسان‌ها را افزایش می‌دهد. (گودرزی، ۱۳۸۳) ممکن است سوء استفاده‌های انجام شده طی قرن اخیر توسط قدرت‌های بزرگ، در ایجاد نگرش منفی به جهانی‌سازی مؤثر بوده باشد. از منظر دینی، جهانی‌سازی نیازی انسانی و فطری برای وحدت جامعه انسانی است. انسان‌ها همگی در «من‌عالی انسانی» با هم متحد هستند، ولی «من‌دانی حیوانی» و منیت‌های موهوم و مذموم تحت وسوسه و ولایت شیطان موجب عداوت و دشمنی بر سر منافع پست دنیایی میان انسان‌ها شده است. پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم، جهانی شدن به عنوان نیاز انسانی و فطری به وحدت و هم‌دلی در مقابل عداوت‌های ناشی از جنگ جهانی رخ نمود. بشر از عداوت و خون‌ریزی برآمده از زیاده‌خواهی‌های ناشی از لجام گسیختگی شهوت و غضب حیوانی در سطح تمدن بشری خسته شده بود و این مطالبه و خواست انسانی به تدریج در همه جا ایجاد شد. لذا تأسیس سازمان‌های بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت، و این سازمان‌ها که پاسخی به تقاضای جهانی شدن بودند توسعه پیدا کردند؛ غافل از آنکه خود این سازمان‌های بین‌المللی محدودیت و تنگنای دیگری بودند که در دست‌عده‌ای محدود قرار گرفته تا هر طوری که دلشان بخواهد به عنوان حقوق بشر و نظم جهانی و ... بر دنیا حکومت کنند. بنابراین حقوق بشر آنها هم در خدمت

1. Globalization

«من حیوانی» غرب در آمد و به جای دفاع از انسانیت، حقوق بشر را ابزار منافع خود کردند. به همین جهت نتوانستند تشنگی و نیاز بشر را جبران کنند. جریان راست افراطی که امروزه در غرب در حال رشد است، واکنشی در مقابل ناامیدی از این حرکت به اصطلاح جهانی است. واپس زدگی راست افراطی نسبت به جهانی شدن، یعنی رجوع به قهقرا و بازگشت به قبیله گرایی و جاهلیت. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۴۱)

در این شرایط فرهنگ اربعین نمونه‌ای عینی و عظیم از حرکت در جهت ایجاد فرهنگی جهانی است، و ظرفیتی است که می‌تواند بشریت را در مسیر «من انسانی عالی» به وحدت برساند. اربعین می‌تواند نشان دهد که آنچه دین اسلام به دنبال آن است، فرقه گرایی نیست. بنابراین روشن می‌گردد که انسان قرن بیست و یکم با توجه به شرایط فعلی حاکم بر جهان بشریت، امروزه بیش از هر زمان دیگری به فرهنگ جهان شمول اربعین نیازمند است. البته تبیین صحیح از موهبت‌هایی که جریان تمدنی اربعین در اختیار بشریت قرار می‌دهد نیز در جای خود مسأله‌ای بسیار مهم می‌باشد که می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. اتخاذ رویکرد تمدنی در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی و اشتراک گذاری تولیدات جدید در سطح بین‌المللی با محوریت جریان تمدنی اربعین در این راستا راهگشا خواهد بود. (امامی و غیائی، ۱۳۹۶)

۴. اربعین ایجاد کننده وحدت مورد نیاز برای ایجاد تمدن نوین اسلامی

تمدن را می‌توان عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. (دورانت، ۱۳۳۷: ج ۱، ص ۵) یکی از اساسی‌ترین ارکان تمدن بنیان اجتماعی آن است. در واقع تمدن فقط می‌تواند در بستر اجتماع انسانی محقق شود. اجتماع انسانی نیز حول محور وحدت می‌چرخد. لذا باید گفت اساسی‌ترین سنگ بنای تمدن وحدت انسان‌ها با یکدیگر است. در غیر این صورت تمدنی قابلیت تحقق نخواهد داشت. قرآن کریم نیز با تأکید بر این عنصر حیاتی، مومنین را به چنگ زدن به ریسمان الهی دعوت کرده و ایشان را از اختلاف بر حذر داشته است. *وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.* و همگی به ریسمان خدا، چنگ زنید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! (آل عمران، آیه

۱۰۳). در جای دیگر خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد. او توانا و حکیم است. (سوره انفال، آیه ۶۳).

علی‌رغم وجود اختلافات قومی، فرهنگی و اجتماعی بسیار در میان زائرین حاضر در جریان اربعین؛ این جریان با کم‌رنج کردن اختلافات و تأکید بر یکسان بودن مسیر و هدف وحدت مورد نیاز در تشکیل تمدن اسلامی را تأمین می‌کند. تمامی افراد حاضر در جریان اربعین با رها کردن «من‌دانی» خود، خویش را در ارتباط با امام معرفی می‌کنند. به این ترتیب افراد حاضر در جریان اربعین، فارغ از تعلقات نژادی، فرهنگی و قومیتی خود، در فضای مراسم اربعین هویتی جدید و یکسان با یکدیگر پیدا می‌کنند. این هویت جدید عبارت است از «زائر امام» و «خادم امام». این ظرفیت عظیم متحد ساختن جامعه ایمانی در مسیر ایجاد تمدن اسلامی، یکی از ظرفیت‌های منحصر به فرد جریان اربعین می‌باشد.

البته لازم است توجه داشته باشیم با عنایت به آیات قرآن کریم وجود هر اختلاف و تفاوتی در اجتماع مذموم نیست. بلکه اختلافی مذموم است که به تفرقه بی‌انجامد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۷۴) لذا خداوند متعال در این زمینه چنین فرموده است: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و [شما ای اهل ایمان!] مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، پراکنده و گروه‌گروه شدند و [در دین] اختلاف پیدا کردند، و آنان را عذابی بزرگ است. (آل عمران، آیه ۱۰۵) اما اگر اختلاف دارای آثار مثبتی باشد، مانند اینکه موجب شناخت افراد از یکدیگر، سکون و آرامش، رشد و ... باشد؛ این اختلاف ممدوح است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. (حجرات، آیه ۱۳)

۵. اربعین مقدمه سازی برای اندیشه جهانی ظهور

نهضت امام زمان عج به عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی، نهضتی جهانی است. لذا در مقدمه سازی برای آن، باید سنخیت ایجاد کرد و مقدماتی را دنبال نمود که زمینه‌ساز آن هدف‌گایی باشند. به همین جهت است که برای ظهور نهضت جهانی، باید راهکارهای جهانی شکل گرفته باشد.

عاشورا نهضتی است که فطرت بشر و وجدان بشر را مخاطب قرار داده است. جریان عاشورا نهضتی شیعی، اسلامی و انسانی است. این سه لایه باعث می‌شود که جریان عاشورا سه نوع مخاطب نیز داشته باشد، و به تناسب آن سه سطح و شیوه جذب داشته باشد. یعنی بتواند هم مؤمنین، هم عموم مسلمانان و هم تمامی افراد انسانی را جذب کند. لذا برنامه ریزی در اقامه عزها و ارتباط با عاشورا و حرکت‌های عاشورایی باید به گونه‌ای باشد که هر سه لایه مخاطب و نحوه جذب آنها را شامل گردد. جریان اربعین نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراسم اقامه عاشورا، برای همه افراد بشر تاثیرگذار و رشد دهنده می‌باشد. این جریان مومنین را به کمال در ایمان می‌رساند، مسلمانان را به ایمان رهنمون می‌سازد، و سایر افراد انسانی را به اسلام و ایمان هدایت می‌کند. با این رویکرد، اربعین در مقابل تشتتی که در مرزهای جهان وجود دارد وحدت فراملیتی و فرامرزی ایجاد می‌کند. البته این جریان فعلا در حد یک حرکت منطقه‌ای است که افرادی عمدتاً شیعه و مسلمان از حدود بیست کشور در آن مشارکت دارند، ولی در راستای افق جهانی خود در مسیر رشد و جهانی شدن قرار دارد. اگر این الگوی جهانی سازی و پیام واحد «حبّ الحسین یجمعنا» ادامه پیدا کند، با توجه به بیزارگی دل‌های مردم از تشتت و جدایی و تمایل به مهرورزی، در آینده‌ای نه چندان دور به عنوان یک حرکت جهانی بسیار موثر قابل ارزیابی خواهد بود. این حرکت جهانی دلها را با پذیرش «حبّ الحسین» مهبیای پذیرش ظهور حضرت حجت عج می‌کند. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۴۳)

۶. اربعین و کادرسازی ظهور

کادرسازی و لشکرسازی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق عاشورا قابل تحقق است. خود ماجرای اربعین، جریان تشکیلاتی عظیمی برای تربیت نیرو و کادرسازی است. روابطی است که در آن یک حاکمیت و نگاه تشکیلاتی حاکمیتی، قوانین، ساختار و... دیده می‌شود. در جریان اربعین ساختارسازی می‌شود و روابط تشکیلاتی و اجتماعی، هم از درون و هم نسبت به بیرون شکل می‌گیرد. اربعین می‌خواهد حرکت کاروانی تشکیل دهد. شکل دادن به حرکت کاروانی که در آن اقشار مختلف اعم از مرد و زن، کودک و بزرگسال، باسواد و بی‌سواد، و... وجود دارد، حوصله و سعه صدر بسیار زیادی را می‌طلبد. این تشکیلات، تشکیلاتی پویا و در

حرکت و تمدنی است و اداره آن با تشکلهای مرسوم که همه افراد موجود در آن از یک قشر نزدیک به هم هستند فرق دارد. معمولاً حرکتهای مرسوم ما در مکانی با امکانات و نیروی انسانی آموزش دیده و... محقق شده است. اما در حرکت کاروانی، به شرح صدر بسیاری نیاز است تا حرکت محقق شود. در واقع این دو نوع تشکیلات، دو نوع حقیقت متفاوت از یکدیگر هستند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه «إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَبِهِمْ يُلْحَقُ التَّالِي» (نهج البلاغه، خطبه دو، ص ۴۷)؛ آن کسی که تند رفته، باید برگردد پشت پرچم و آن کسی که جا مانده، باید برسد. پرچم دار باید حرکتش به گونه‌ای باشد که تندرو را برگرداند پشت پرچم و کندرو برسد، و این کاری است که رهبری باید انجام دهد و این کار خیلی سختی است! اما وقتی تشکیلات شکل و نظم پیدا کند و حرکت کاروانی آغاز شود، آثار و برکات بسیار زیادی خواهد داشت.

چالش‌های موجود در جریان تمدنی اربعین

برای شناخت آسیب‌های یک امر، باید ارکان و پایه‌های اصلی آن را به صورت دقیق شناخت تا بتوان در وقت تراحم، قدرت تشخیص اولویت‌ها و اهم و مهم را پیدا کرد. همان‌طور که طبق فرمایش مقام معظم رهبری حفظه الله انقلاب اسلامی ما سیرت‌ها و صورت‌هایی دارد که باید با یکدیگر فهم شوند (خطبه‌های نماز جمعه؛ ۱۳۸۹/۳/۱۴)، جریان تمدنی اربعین نیز به همین شکل است. اگر در موقعیتی، بین این صورت‌ها و سیرت‌ها، تقابل و تراحمی ایجاد شود، اصل و معیار برخورد، سیرت‌ها هستند؛ یعنی باید با حفظ اصول و پایه‌ها، تراحمات جزئی در میان صورت‌ها را برطرف نمود و از آسیب رسیدن به سیرت‌های اصلی جلوگیری کرد. هم چنین باید توجه داشت، تغییر صورت‌ها به تغییر در سیرت‌ها و اصول نینجامد، یا دفاع بی‌مورد از صورتی که اهمیت کمتری دارد، منجر به حذف صورت مهمتر نشود. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۱) با توجه به نکات پیش گفته، در ادامه برخی از چالش‌هایی که ممکن است صورت اربعین را خدشه دار نموده و نهایتاً به سیرت اربعین آسیب وارد نماید مورد کنکاش قرار می‌گیرد تا با ملاحظه آن‌ها تلاش شود حرکت تمدنی اربعین از این مشکلات پیراسته گردد.

۱. غفلت از حقایق عمیق جریان اربعین

انبیاء الهی در مسیر هدایت انسان‌ها تلاش داشتند عالی‌ترین حقایق را با ساده‌ترین عبارات و بیانها برای قوم خویش تبیین نمایند. جریان اربعین در امتداد حرکت انبیای عظام الهی، بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، غدیر و عاشورا، به دنبال ساده‌سازی، محسوس کردن و مصداقی کردن عالی‌ترین حقایق توحیدی است؛ تا انسان با ارتباط با آن‌ها، بتواند به آن حقایق مرتبط شده و ضمن حشر با «ولی الله» از شئون حضرت گردد. از جمله آسیب‌های این ساده‌سازی و محسوس کردن، این است که انسان در همین مرتبه ظاهر و قالب محسوس محدود بماند. یعنی آن‌چنان به دیدن آینه و ظرایف همین آینه مشغول شود که از اصل صورتی که برای دیدن آن مقابل آینه ایستاده غافل شود. آینه برای دیدن صورت است، نه مشغول شدن به آن. بنابراین همان‌طور که تنزل حقایق به مرتبه محسوس، از ظرفیت‌های عظیم هدایت‌گری است، می‌تواند موجب توقف انسان در خود شده و حتی موجب ترویج ضدآرزوها نیز گردد.

۲. خرافه‌گرایی

یکی از آسیب‌های جدی مناسک دینی، خرافه‌گرایی است. خرافه در عربی به معنای سخن دروغ اما با نمک (مُستَمَلَح) آمده است. (الفراهیدی، ج ۴، ۱۴۰۹:۲۵۲) خرافه‌گرایی در اربعین یعنی انجام اموری غیرعقلانی و غیردینی که معمولاً در اثر کم‌دقتی در نحوه ابراز محبت به اهل بیت علیهم السلام، در رفتار زائران بروز می‌یابد. علاوه بر این، اعتماد به منابع غیر معتبر برای به تصویر کشیدن واقعه عاشورا نیز می‌تواند به عنوان دلیل دیگری برای ترویج خرافه‌گرایی در جریان اربعین مورد توجه قرار گیرد. نکته دیگر توجه به حس قهرمان‌پرستی در وجود انسان است. در بشر یک حس قهرمان‌پرستی هست که در اثر آن، درباره قهرمان‌های ملی و قهرمان‌های دینی افسانه می‌سازد... قسمتی از تحریفاتی که در حادثه کربلا صورت گرفته، معلول حس اسطوره‌سازی است... این حس اسطوره‌سازی خیلی کار کرده است. ما نباید یک سند مقدس را در اختیار افسانه‌سازها قرار دهیم. (مطهری، ۱۳۸۳: ۴۱)

مسأله مهم اینجاست که خرافه‌گرایی می‌تواند آفات اجتماعی زیادی را در پی داشته باشد. به همین جهت می‌بایست زائران و خادمان حاضر در گردهمایی اربعین تمام تلاش خود را به کار گیرند تا مانع بروز رفتارهای خرافه‌گونه در این جریان عظیم تمدنی شوند. راهکار جلوگیری از خرافه‌گرایی، تقویت عقلانیت در این جریان است. هر مقدار از عنصر عقلانیت جدا شویم، احتمال خرافه‌گرایی شدیدتر می‌شود.

۳. فرد گرایی

روح مناسک دینی، با فرد شامل جمع مناسبت دارد، نه فرد در مقابل جمع؛ یعنی فرد گسترده و توسعه یافته مدنظر است که با نگاه جمعی سازگاری کامل دارد. به همین جهت، عبادات ما در عین فردی بودن، جمعی تعریف شده‌اند. از جمله آسیب‌هایی که دشمن توانسته از آن بسیار استفاده کند، این است که دین را به فردگرایی تقلیل دهد؛ یعنی هر کس به خود و دین خود توجه کند و کاری به دیگران نداشته باشد!

همان‌گونه که گذشت بنیان حرکت اربعین، همچون حرکت عاشورا، جمعی و با روحیه جمعی است. اما همین حرکت جمعی ممکن است با تقویت پرچم‌های متکثر قومی و قبیله‌ای، به فردگرایی کشیده شود. تقویت «من» محدود قومی، قبیله‌ای و جغرافیایی می‌تواند موجب فردگرایی شود که قدم به قدم، این حرکت را به فردگرایی محض می‌کشاند. لذا باید مراقب بود که خدمت‌رسانی‌ها و حضور زائرین، رنگ و بوی قومی و قبیله‌ای پیدا نکند که هر کشوری فقط از زائرین خودش پذیرایی نماید و حدود و تعینات خود را پررنگ کند. البته کثرت گرایی پرچم‌ها و نمادها اگر حول امور معنوی و ارزش‌ها شکل بگیرد، نه تنها تنش‌زا نیست، بلکه وحدت‌آفرین است. یعنی اگر قوم و قبیله‌ای، موکب یا پرچم خاصی دارند، باید آن نمادها حول محور امام و خدمت بیشتر به زائران شکل گرفته باشد و موجب خدمت‌رسانی بیشتر گردد تا جذب قلوب مختلف محقق شود. در غیر این صورت، این تکثر در وحدت اربعین اختلال ایجاد می‌کند. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۲ - ۱۵۳)

۴. منسک‌گرایی

زیارت اربعین یکی از مناسک اسلامی است که مورد تأکید حضرات معصومین علیهم السلام نیز قرار گرفته است، به گونه‌ای که در زمره یکی از علائم پنج‌گانه مومن بیان شده است.^۱ (المفید، ۱۴۱۳: ۵۳) به طور کلی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی آیین، کارکرد هویت‌یابی است. حفظ هویت فرهنگی از طریق تکرار عقاید و ارزش‌های مشترک و برپایی رسوم و مراسم‌ها و همچنین انتقال آن به نسل‌های بعدی، جهت جلوگیری از اختلال اجتماعی و فرهنگی، از اصلی‌ترین کارکردهای هر آیینی می‌باشد. (توسلی، ۱۳۶۹: ۱۵۳) اما منسک ممکن است آسیب هم ایجاد کند. از جمله آسیب‌هایی که ممکن است به وجود بیاید، منسک‌گرایی محض است؛ یعنی اربعین به یک منسک عبادی بدون روح و منقطع از سایر ابعاد عرفانی، اجتماعی، عدالت‌خواهانه و... تبدیل شود. یعنی چنانچه امروز، حکومت ظالم سعودی و هابی عبادت‌جامع «حج» را به عبادت و منسکی بدون روح تنزل داده است و از آشکار شدن ابعاد عظیم حج جلوگیری می‌کند، اربعین نیز این‌گونه تقلیل پیدا کند. اساس حج برای ارتباط جهانی مسلمانان و پشتیبانی از یکدیگر برای تقویت دین و حل مسائل جهانی مسلمانان وضع شده تا مسلمانان با روحیه انقلابی و اجتماعی، به سمت غایت توحیدی خود حرکت کنند. (نهج البلاغه، ۵۱۲، حکمت ۲۵۲) اما منسک صرف شدن، باعث می‌شود این ابعاد دیده نشود. لذا باید اربعین را از این مسخ درونی و خطرناک حفظ کرد. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۴)

۵. منحصر کردن اربعین در اظهار محبت

اساس حرکت عاشورا در مقابله با دشمن، به عنوان عظیم‌ترین نبرد حق و باطل جعل شده است. البته دوستان مؤمن ذیل سایه محبت به امام بر محور مقابله با این دشمن، کنار یکدیگر اجتماع می‌کنند تا دین حق را از انحراف نجات داده و آن را احیا کنند. بنابراین حب و بغض دو بازوی تمسک به دستگیره محکم الهی هستند. «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ

۱. رَوَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا» (سوره بقره، آیه ۲۵۶) هر کس که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. به همین جهت، در عین اینکه محبت به امام حسین علیه السلام از ارزشمندترین حقایق عالم وجود است که توحید ولایی را به عنوان مقدمه توحید الوهی به ثمر می‌رساند، ولی محبتی که همراه خود بغض به دشمنان حضرت را نداشته باشد، ناقص و ابتر است. انسانی که فقط محبت داشته و بغضی نداشته باشد، در حقیقت محبتی هم ندارد، زیرا این دو بال با یکدیگر معنی پیدا می‌کنند.

از آسیب‌های امکان‌پذیر برای کنگره اربعین، تکیه صرف بر جنبه‌های حبی و رها کردن بغض و عداوت است. در حالی که یکی از جذاب‌ترین قوای وجودی انسان که به خصوص در سنین جوانی و نوجوانی قدرت جذب بالایی دارد، قوای غضبیه انسان است. دشمن از همین جذابیت استفاده کرده و با علم کردن داعش و طالبان و... جوانان انقلابی و پیکارجوی زیادی را در جهت اهدافش به کار گرفته است. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۴) اگر این قوه در مسیر صحیحی قرار بگیرد، انسان در میدان جهاد می‌درخشد. قرآن کریم در وصف مومنان همراه با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (سوره فتح، آیه ۲۹) کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند. همچنین با استفاده صحیح از قوای غضبیه انسان، بسیاری از فضایل دیگر نیز محقق شده و رذایل زیادی را از وجود انسان ریشه کن می‌کند. چرا که همان‌گونه که در فرمایش امام صادق علیه السلام بیان شده است «رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا» (کلینی، ج ۲، ۱۴۲۹: ۳۱۵) اساس رذایل و بدی‌ها، حب دنیا است که در عرصه جهاد به شدت تضعیف شده و انسان را سبک بال می‌کند.

۶. ضعف در دشمن‌شناسی

هر مقدار لایه دشمن‌شناسی در حرکت اربعین کم رنگ‌تر شود، نهضت اربعین از اهداف تأثیرگذار خود که منطبق با قیام امام حسین علیه السلام و کاروان اسرا هست، فاصله می‌گیرد. دشمن‌شناسی در جریان اربعین در دو ساحت متفاوت قابل تحلیل است. اولاً می‌بایست بین دشمن اصلی با سایر دشمنان فرعی تمایز قائل شد و این تمایز را برای عموم مؤمنین شرکت‌کننده در

مراسم اربعین به درستی تبیین نمود. و ثانیاً باید بصیرت صحیحی نسبت به نقشه دشمن و عمق دشمنی او داشته باشیم. در صورتی که این بصیرت نسبت به نقشه دشمن ایجاد نشود، نقشه دشمن دیده نمی‌شود و مواجهه‌ای هم شکل نمی‌گیرد و با ساده‌انگاری، فرصت مناسبی به دشمن داده می‌شود تا بتواند سوءاستفاده کند. دشمن نیز با عدم مقابله مستقیم، به ساده لوحی ما دامن زده و در وقت مناسب از کمین خود خارج شده و ضربه اساسی خود را وارد می‌کند. مشاهده می‌کنیم که دشمن پس از جریان داعش، که دشمن شناسی اربعین را تقویت کرده بود، مدتی با سکوت خود در حال کمین کردن است؛ که هوشیاری ما را می‌طلبد. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۵ - ۱۵۶) یکی از مهم‌ترین الزامات مقابله با دشمن در ارتباط با جریان تمدنی اربعین، شناخت مساله و ادراک از برداشت نادرستی است که به ایران هراسی و شیعه هراسی در منطقه و هراس از اسلام انقلابی در سطح بین‌المللی انجامیده است. برای اجرا و اعمال هم‌گرایی تمدنی کارآمد و فعال، نخست باید بر این تصور و تلقی نادرست فائق آمد. (امامی و غیائی، ۱۳۹۶)

۷. کم‌رنگ شدن نگاه جهانی و فرهنگ تهاجمی اربعین

هر مقدار نگاه کلان و جهانی در اربعین پررنگتر باشد، اختلافات داخلی کوچک‌تر جلوه می‌کند و راحت‌تر قابل حل و فصل است. حتی با مقیاس جهانی، بسیاری از اختلافات جزئی در منظر وجدان‌های ناظر، خنده دار به نظر می‌رسد! این مسأله برای جریان مقابل نیز بسیار حائز اهمیت است. لذا دشمن تلاش می‌کند برای اینکه اختلاف‌های داخلی بزرگ نشان داده شود و وسعت نگاه جهانی و تمدنی به اربعین را کوچک‌تر کرده و به جای آن، مسائل قومی و قبیله‌ای و صنفی را به عنوان مسائل مطرح در جریان اربعین جای‌گزاری نماید. این امر باعث می‌شود که خاصیت تهاجمی جریان تمدنی اربعین کم‌رنگ شده و به مرور زمان از بین برود. (عابدینی، ۱۳۹۸: ۱۵۵ - ۱۵۶)

۸. تخطئه مرجعیت خادمان محلی

از آسیب‌های جدی برای جریان تمدنی اربعین، تبدیل فضای مسابقه میان موبک‌ها و کاروان‌ها در قرب به امام، به مسابقه فخرفروشی و خودنمایی است. این نوع مسابقه‌ها، همواره یک پیروز و هزاران بازنده دارد! بنابراین به دنبال آن قهر، یأس و عداوت شکل می‌گیرد.

مسابقه در خدمت باید به گونه‌ای باشد که باعث نشود رجوع مردم به موب‌های دیگر از بین برود. چرا که در این صورت مصداق فرمایش امام صادق علیه السلام به حسین بن علاء خواهد بود که وقتی با کاروانی از عراق خدمت حضرت شرفیاب شد، حضرت او را عتاب کرده و فرمودند: چرا مومنین را ذلیل می‌کنی؟ حسین بن ابی العلاء با تعجب پرسید: آقا! من چه کرده‌ام؟ حضرت فرمودند: به ما این طور خیر رسیده که در هر منزل این سفر، گوسفندی ذبح کرده‌ای و همه را مهمان کرده‌ای. او گفت: به خدا سوگند که این کار را برای رضای خداوند متعال انجام می‌دادم. حضرت فرمودند: مگر نمی‌دید که در کاروان افرادی دیگر هم هستند که دوست دارند میزبان دیگران باشند، ولی مثل تو تمکن مالی ذبح گوسفند برای یک وعده را نداشتند. چرا مراعات حال ایشان را نکردی؟ لذا با عمل تو، آن‌ها تخطئه شده و از رجوع مردم خارج شده‌اند. حسین بن ابی العلاء از حضرت عذر خواسته و توبه می‌کند.^۱ (برقی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۳۵۹)

لذا خادم و خدمت‌رسان باید به لوازم عمل خود توجه داشته باشد و در عین تلاش برای پذیرایی عزت‌مندان از زائران، مراقب باشد که ناخودآگاه موجب تحقیر دیگر خادمان نیز نشود. این آسیب از آسیب‌های جدی است که ممکن است دامن‌گیر موب‌داران و خادمان اربعین گردد.

۹. دور شدن از ساده زیستی

پشت کردن به عادت‌ها و ساده زیستی، یکی از مزایا و جاذبه‌های اربعین است که نباید با اشرافی‌گری، یعنی اشرافیت و رفاهی شدن محل‌های سکونت و پذیرایی، آن را از دست داد. البته واضح است که تأمین ضروریات اولیه و بخشی از لوازم سفر، کار مطلوب و مناسبی است، ولی حد آن باید رعایت شود و بیش از آن حد، به عنوان ضد ارزش و ضد فرهنگ تلقی شود تا سفر را از ساده زیستی خارج نکند. مانور تجمل و اشرافی‌گری در اربعین، بالاترین خیانت به روح و سیرت اربعین است که ممکن است حتی به دست دوستان دلسوز ایجاد شود. طبق روایات گرسنگی،

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: خَرَجْنَا إِلَى مَكَّةَ نَيْفًا وَعِشْرُونَ رَجُلًا فَكُنْتُ أَذْبَحُ لَهُمْ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ شَاءَ فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أُدْخَلَ عَلَيَّ أَبِي عَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي يَا حُسَيْنُ وَتَدُلُّ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ بَلَّغْنِي أَنْكَ كُنْتَ تَذْبَحُ لَهُمْ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ شَاءَ قُلْتُ مَا أَرَدْتُ إِلَّا اللَّهُ فَقَالَ أَمَا كُنْتَ تَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَفْعَلَ فَعَلَكَ فَلَا يَبْلُغُ مَقْدَرَتَهُ ذَلِكَ فَتَقَاصِرُ إِلَيْهِ نَفْسُهُ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا أَعُوذُ.

تشنگی و ژولیدگی، تا حدودی برای زائر مطلوب است^۱ و راحت طلبی و رفاه‌زدگی برای او مطلوب نیست. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۳۰)

۱۰. از دست رفتن عنوان زائر و خادم

هویت اربعین به حقیقت امام و شأن زائر امام است؛ لذا هر چیزی که تشخیص دیگری را در مقابل این دو عنوان پررنگ کند، از آسیب‌های جدی سیرت اربعین است. ممکن است برخی مواکب به خاطر رعایت برخی ملاک‌های قومی، طایفه‌ای، و... افرادی را به عنوان مسئول ورود و خروج تعیین نمایند تا از ورود سایر زائران جلوگیری کنند. رعایت شأن زائران و توجه به رابطه عمیق ایشان با امام، مسأله‌ای است که باید در تمامی لحظات و شئون جریان تمدنی اربعین مورد توجه جدی قرار گیرد.

اسحاق ابن عمار، وقتی مال و ثروتی پیدا کرد دستور داد که فقرا را متفرق کنند تا درب منزل او نیایند. زیرا به خاطر شرایط سخت شیعه، می‌ترسید به علت رجوع فقرا شیعه شهرت پیدا کند و توسط حکومت شناسایی و دستگیر شود. وقتی همان سال برای انجام حج به مکه مشرف شد و به محضر امام صادق علیه السلام رسید حضرت با حالتی برافروخته در حالیکه از او روی برگردانده بود جواب سلام او را دادند. او متوجه شد که خطایی از او سر زده است. به امام عرضه داشت «جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي غَيَّرَنِي عِنْدَكَ؟» فدایتان شوم! چه چیزی حال مرا پیش شما تغییر داده است؟ حضرت فرمودند «الَّذِي غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ!» تغییر رفتار و حال تو در نسبت با مؤمنین! با این که اسحاق ابن عمار به گمان خود برای این رفتار عذر داشت، اما امام با بیان حقایقی از رابطه مؤمنین، اهمیت این رابطه با مؤمنین را به گونه‌ای تبیین کردند که گویی این چنین عذرهایی برای برهم زدن این رابطه پذیرفته نیست! و او باید تدبیری می‌اندیشید که این

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَهْزَبَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ زُرْعَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُوا [تَزُورُوا] وَ لَسَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُوا [تَزُورُوا] قَالَ قُلْتُ قَطَعْتَ ظَهْرِي قَالَ تَاللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمْ لَيَذْهَبُ إِلَى قَبْرِ أَبِيهِ كَثِيبًا حَرِينًا وَ تَأْتُونَهُ أَنْتُمْ بِالسُّفْرِ كَلَّا حَتَّى تَأْتُونَهُ [تَأْتُونَهُ] شَعْنًا غَيْرًا.

رابطه مختل نگردد^۱. (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۴۸)

در واقع امام صادق علیه السلام به یک اصل کلی اشاره نمودند که تغییر رابطه با مؤمنین منجر به تغییر رابطه با امام می‌شود. ولایت و رابطه مؤمنین، نسبت مستقیم با رابطه ولایی با امام دارد. این قاعده همه شئون زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین را در بر می‌گیرد و حتی به ساحت‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی در تعاملات درون یک جامعه یا ارتباط دو جامعه با یکدیگر نیز کشیده می‌شود. کنگره تمدنی اربعین از مهمترین مراسماتی است که اسباب تعاملات بین مومنین را فراهم می‌آورد. لذا ضرورت توجه به این اصل کلی در تعامل بین مؤمنین در این مراسم اهمیتی دوچندان می‌یابد.

نتیجه‌گیری

عاشورا دارای ظرفیت‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای است که هنوز همه ابعاد آن شناخته نشده و از تمامی ظرفیت‌های آن استفاده نشده است. اربعین عنایت ویژه‌ای است برای به ثمر رسیدن ظرفیت‌های عاشورا و امتداد یافتن عاشورا تا ظهور حضرت ولی عصر عج و استقرار تمدن اسلامی. از این منظر جریان اربعین یک جریان تمدنی پویا است که می‌تواند گام به گام زمینه ساز بروز ظرفیت‌های عاشورا در راستای تحقق غایی تمدن اسلامی در زمان حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

چهار رکن راهبردی ظرفیت‌های عاشورا که در اربعین نیز قابلیت امتداد دارند، عبارتند از ظهور «من‌عالی انسانی»، هجرت و حرکت کاروانی، سنت «محوضت» و تمییز حق و باطل، و اقامه منظومه دین. این چهار رکن در بیانات مختلف امام حسین علیه السلام تبیین شده‌اند که خلاصه

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ عَبْدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيرَفِيِّ قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَيَأْتِينِي إِخْوَانٌ كَثِيرَةٌ وَ كَرِهْتُ الشُّهُرَةَ فَتَخَوَّفْتُ أَنْ أَشْهَرَ بِدِينِي فَأَمَرْتُ غُلَامِي كُلَّمَا جَاءَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ يَطْلُبُنِي قَالَ لَيْسَ هُوَ هَاهُنَا قَالَ فَحَجَجْتُ تِلْكَ السَّنَةَ فَلَقِيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ قَرَأْتُ مِنْهُ تَقَالًا وَ تَغْيِيرًا فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي غَيَّرَنِي عِنْدَكَ قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا تَخَوَّفْتُ الشُّهُرَةَ وَ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ شِدَّةَ حُبِّي لَهُمْ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ لِمَا تَمَلُّ رِيَاةَ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيَأْتِي صَاحِبَهُ أَتْرَلًا اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ إِبْهَامَيْهِمَا مِائَةٌ رَحْمَةً تَسْعَةُ وَ تَسْعِينَ لِأَشْدَهُمْ حُبًّا لِصَاحِبِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ فَكَانَ عَلَى أَشْدَهُمَا حُبًّا لِصَاحِبِهِ أَشَدُّ إِقْبَالًا فَإِذَا تَعَانَقَا غَمَّرْتُهُمَا الرَّحْمَةَ فَإِذَا لَبَّيْنَا لَا يُرِيدَانِ إِلَّا وَجْهَهُ لَا يُرِيدَانِ غَرَضًا مِنْ أُغْرَاضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا فَاسْتَأْنَفَا فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَى الْمُسَاءِ لَمْ تَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرًّا وَ قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا...

این بیانات را می‌توان در این عبارت از حضرت ملاحظه کرد: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.»

تمدن نوین اسلامی در حال حاضر در مراحل ابتدایی شکل‌گیری خود به سر می‌برد. این حرکت تمدنی در زمان استقرار حاکمیت حضرت حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقطه تکامل خود خواهد رسید. با تحلیل جریان اربعین می‌توان فرصت‌های تمدنی موجود در زیارت اربعین را در محورهای مختلف بررسی کرد، که جهت حرکت همه آنها آماده سازی جهان بشریت برای ظهور امام زمان و تبلور نهایی تمدن اسلامی می‌باشد. در این راستا اربعین به مثابه رسانه پر قدرت تمدن نوین اسلامی، فرهنگی پیشرو، مولد و مهاجم، که بشریت نیازی مبرم به آن دارد، و در واقع تأمین‌کننده وحدت مورد نیاز برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌باشد قابل ارزیابی است. اربعین تأمین‌کننده کادر مورد نیاز و مقدمه ساز برای اندیشه جهانی ظهور حضرت حجت عج به عنوان نقطه اوج تمدن اسلامی نیز هست.

البته در این مسیر چالش‌هایی پیش روی جریان تمدنی اربعین قرار دارد که ممکن است این جریان را از دسترسی به اهداف والای خود دور نماید. مهم‌ترین چالش‌هایی که ممکن است صورت اربعین را خدشه دار نموده و نهایتاً به سیرت اربعین آسیب وارد نماید عبارتند از: غفلت از حقایق عمیق جریان اربعین، خرافه‌گرایی، فرد‌گرایی، منسک‌گرایی، منحصر کردن اربعین در اظهار محبت، ضعف در دشمن‌شناسی، کم‌رنگ شدن نگاه جهانی و فرهنگ تهاجمی اربعین، تخطئه مرجعیت خادمان محلی، دور شدن از ساده زیستی، و از دست رفتن عنوان زائر و خادم.

فهرست منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
 ---، ---، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دار الشریف الرضی للنشر، قم، ۱۴۰۶ ق.
 ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، نشر جهان، تهران، ۱۳۴۸ ش.
 ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، دار المرتضویه، النجف الاشرف، ۱۳۵۶ ش.
 افتخاری، لاله، نقش پیاده روی اربعین در تحقق تمدن نوین اسلامی با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری، فصلنامه علمی اختصاصی رهیافت فرهنگ دینی، شماره هشتم، زمستان ۱۳۹۸ ش.
 امامی، سید مجید؛ غیائی، هادی، هم‌گرایی تمدنی در طریق زیارت، با تأکید بر پیاده روی زیارت اربعین؛ دوفصل‌نامه علمی پژوهشی دین و سیاست فرهنگی، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
 بابایی، حبیب اله، مدنیت و معنویت در اربعین (مدنیت، عقلانیت، معنویت در بستر اربعین)، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱ ق، چاپ دوم.
 توسلی، غلام‌عباس، نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۶۹ ش.
 حمیدی، سعید، تجلی عناصر تمدن اسلامی در پیاده روی اربعین قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۷، زمستان ۱۴۰۰ ش.
 خاکی، غلام‌رضا، روش تحقیق (با رویکردی به پایان نامه نویسی)، بازتاب، ۱۳۷۸ ش.
 دورانت، ویل، تاریخ تمدن، نشر اقبال فرانکلین، تهران، ۱۳۳۷ ش.
 زمانی محجوب، حبیب، مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن اسلامی، اولین همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، ۱۳۹۶.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۰ ق، چاپ دوم.
 طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، چاپ چهارم.
 عابدینی، محمدرضا، قدم عاشقی، نشر معارف، قم، ۱۳۹۸ ش.
 غفاری هاشجین، زاهد؛ آقایی، محمد، پیاده روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، شماره ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
- فاضل قانع، حمید، ظرفیت‌های تمدنی اسلام، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ص، قم، ۱۳۹۴ ش.
 فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب‌العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق، چاپ دوم.
 کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق.

گودرزی، پروین، جهانی شدن: تهدید یا فرصت، نشریه علمی برنامه‌ریزی و بودجه، دوره ۹، شماره ۵، آذر و دی ۱۳۸۳ش.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق، چاپ دوم. مدرس، سیدمحمدتقی، اصول و پایه‌های تمدن اسلامی، مترجم: محمدصادق پارسا، انتشارات محبان‌الحسین ع، تهران، ۱۳۷۹ش.

مرتضوی، سیدخدایار؛ صولتی، حسین؛ داداش‌زاده، فرشته، پیاده روی اربعین به مثابه اسطوره‌ای برای بازآفرینی هویت فرهنگی، پژوهش‌نامه معارف حسینی، شماره بیستم، زمستان ۱۳۹۹ش. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۳ش.

المفید، محمدبن محمد، المزار، تحقیق: محمدباقر ابطحی، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب‌الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش، چاپ دهم. موسوی، سیدمحمد؛ بیات، رضا، کاوشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن، دوفصلنامه علمی نامه فرهنگ و ارتباطات، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش. ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر معارف، قم، ۱۳۸۴ش.

<https://farsi.khamenei.ir/newspartindex?id=9524&nt=2&year=1389&tid=9830>

